

## کاوشی در گستره نقل نخستین مکتوبات حدیثی امامیه<sup>۱</sup>

محمد مهدی کامیابی<sup>۲</sup>

### چکیده

میراث حدیثی شیعه، ریشه در مکتوبات اولیه ای دارد که اصحاب ائمه علیهم السلام نگاشته اند. این تألیفات در طی سال‌ها، به عنوان منابع اصلی حدیث شیعه، نسل به نسل منتقل شده و به صاحبان کتب اربعه رسیده است. یکی از پرسش‌های کلیدی در تاریخ حدیث امامیه، مسأله گستره انتقال کتب اصحاب به محدثان بعدی است؛ به دیگر بیان، پرسش از این که آیا آثار آنان، با طرق متعدد به آیندگان منتقل شده یا با طریق واحد.

مطابق اقوال محدثان و دانشمندان رجالی متقدم، شهرت و تعدد طرق کلی مکتوبات اصحاب امری ثابت بوده است، ولی با تدوین کتب اربعه و کنار رفتن نسبی کتب اصحاب، بسیاری از طرق انتقال آنها نیز به فراموشی سپرده شد و این مسأله در بین متأخرین به موضوعی اجتهادی تبدیل گردید. در این نوشتار، با بررسی و تطبیق طرق موجود در فهرس متقدم (فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی)، تعدد طرق انتقال کتب اصحاب در اکثریت موارد استنتاج شده است. کلیدواژه‌ها: تعدد طرق، کتب اصحاب ائمه علیهم السلام، اصول اربعه‌ائمه، فهرست النجاشی، فهرست الطوسی.

۱. لازم به ذکر است که مقاله حاضر برگرفته از فصل دوم پایان‌نامه کارشناسی ارشد صاحب این قلم با عنوان «بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم السلام با تأکید بر تألیفات مربوط به امامت» است که در آن، از راهنمایی و مشاوره جناب آقای دکتر مجید معارف و استاد سید علی رضا حسینی بهره بردم. هم‌چنین، در این تحقیق، از مساعدت‌های علمی جناب آقای محمد قندهاری و جناب آقای دکتر رضا قربانی، بسیار بهره‌مند شدم.
۲. دانشجوی دکتری رشته کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران.

## ۱. درآمد

روشن است که بهترین راه انتقال یک گفته، به ویژه اگر به مانند حدیث در سنت اسلامی، جزئیات آن مهم و مقدس باشد، خارج نمودن آن از حالت شفاهی و ضبط کتبی آن است. به همین دلیل، مکتوب بودن یک حدیث در تمامی مراحل انتقال آن به نسل‌های بعدی، مزیت مهمی در اصالت و صیانت آن به شمار آمده و بسیار دقیق‌تر از انتقال مبتنی بر حافظه است. در انتقال روایات به صورت مکتوب، الفاظ روایات دقیق‌تر بر جای می‌ماند و نقل به معنا نسبت به نقل شفاهی کمتر است.

یکی از ویژگی‌های بارز حدیث شیعه، فرهنگ کتابت روایات معصومین علیهم‌السلام است. شواهد فراوانی بر تأکید امامان شیعه علیهم‌السلام بر نگارش احادیث و انتقال آن به نسل‌های بعدی در دست است.<sup>۳</sup> امام صادق علیه‌السلام در روایتی به مفضل می‌فرماید:

بنویس و دانش خود را میان برادرانت بگستر و پس از مرگ، کتاب‌هایت را برای پسرانت به ارث بگذار؛ زیرا دوران ناآرامی بر مردم خواهد آمد که جز با کتاب‌هایشان انس و آرامشی نخواهند داشت.<sup>۴</sup>

سنت نگارش از زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با کتابت احادیث نبوی توسط امیرالمؤمنین علیه‌السلام آغاز شده<sup>۵</sup> و نسل به نسل در میان اصحاب و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام تداوم داشته است.<sup>۶</sup> طبق گزارش‌های تاریخی، اصحاب ائمه علیهم‌السلام برای ثبت روایات در همان مجلس تحدیث آمادگی داشته‌اند؛ به عنوان نمونه، زراره صحابی جلیل القدر صادقین علیهم‌السلام، احادیثی را که از ائمه علیهم‌السلام می‌شنید، می‌نوشت و کتاب و وسایل نگارش او همواره نزدش حاضر بود. روزی از امام صادق علیه‌السلام در باره اوقات نماز سؤالی پرسید و الواحش را بازکرد تا پاسخ امام را بنویسد...<sup>۷</sup> این نقل تاریخی - که در یک گزارش حدیثی بر جا مانده - تنها یکی از شواهد اهتمام زاید‌الوصف اصحاب ائمه علیهم‌السلام در ضبط و حفظ روایات است.

۳. در بسیاری از مجموعه‌های روایی شیعه، بابتی تحت این عنوان وجود دارد؛ به عنوان نمونه، رک: الکافی، ج ۱، ص ۵۱: باب رواية الكتب والحديث وفضل الكتابة؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۴۲: الفصل التاسع فی الحث علی الكتابة والتکاتب وما یلیق به.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۵. به عنوان نمونه، می‌توان به «کتاب علی علیه‌السلام»، شامل برخی از احادیث نبوی به املاي رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خط امیرالمؤمنین علیه‌السلام اشاره کرد. (میراث مکتوب، ص ۲۶).

۶. برای گزارشی جامع از این سیر، رک: بررسی سیرتاریخی کتابت حدیث در شیعه.

۷. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۴۲.

با توجه به توصیه های امامان در موضوع کتابت حدیث و اشتیاق اصحاب به ثبت و نگارش روایات، در مدت کوتاهی صدها «اصل» حدیثی در دوران ائمه علیهم السلام شکل گرفت و گاهی به ایشان عرضه شد و به تأیید ایشان رسید<sup>۸</sup> که بعدها به عنوان «اصول اربعمائه» معروف گردید.<sup>۹</sup> این امر، به اضافه عوامل دیگر، موجب شد تا کتب اصحاب در انتقال و انتشار روایات در شیعه نقش مهمی را بر عهده داشته باشد.

### «طریق» انتقال کتاب

بحث مهمی که در این میان مطرح است، مسأله انتقال مکتوبات یا اصول اصحاب به طبقات بعدی است. سلسله راویان - که کتاب را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده اند - به عنوان «طریق انتقال کتاب» شناخته می شدند.

طریق در لغت، به معنای «راه» و جمع آن «طُرُق» است.<sup>۱۰</sup> اصطلاح طریق در علوم اسلامی در دو معنا استفاده شده است. معنای اول آن، در اصطلاح عمومی دانش رجال است که عبارت است از: «الوسائط المتصلة بين الراوى والمرورى عنه ويعبر عنه بالسند».<sup>۱۱</sup> در این کاربرد، طریق، مترادف با «سند» است.<sup>۱۲</sup> معمولاً طریق در جایی که یک روایت با چند سند روایت شده، به کار می رود. از هر یک از این سندها - که ممکن است با هم در بخشی مشترک باشند - با عنوان طریق یاد می شود؛ مانند این که گفته می شود: این روایت به طرق مختلف رسیده است؛ یکی از طریق زراره و دیگری از طریق محمد بن مسلم.

معنای دوم طریق - که بیشتر در بین عالمان متقدم شیعه رایج بوده است - برای بیان راه دست یابی به یک کتاب از طرف نویسنده اصلی آن به کار می رفته است؛ مثلاً عالمانی چون شیخ صدوق، شیخ طوسی و نجاشی طریق خود را به کتاب هایی که در *الفهرست*<sup>۱۳</sup> یا

۸. ر. ک: «عرضه حدیث بر امامان:» (قسمت اول)، ص ۳۸ تا آخر مقاله.

۹. به عبارت صحیح تر، منابع اصلی کتب اربعه، اصول و مؤلفات اصحاب ائمه علیهم السلام بوده است که لزوماً چهارصد عدد نبوده است (برای تفصیل بیشتر ر. ک: تاریخ عمومی حدیث، ص ۲۴۳ - ۲۴۵).

۱۰. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۲۰.

۱۱. الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۲۲۷. یعنی: واسطه هایی که اتصال بین راوی و فرد مروی عنه را برقرار می کند و از آن به سند نیز تعبیر می شود.

۱۲. نزهة النظر فی شرح نخبة الفکر، ص ۱۵۷.

۱۳. منظور از کتب «فهرست» در این کاربرد، کتاب هایی هستند که به معرفی آثار مکتوب و نگارندگان آن می پردازند.

مشيخه<sup>۱۴</sup> آورده‌اند، ذکر کرده‌اند.<sup>۱۵</sup> در این پژوهش، کاربرد دوم از اصطلاح «طریق» مورد نظر نظر است.

یکی از مهم‌ترین مسائل در طریق نقل کتاب، این است که انتقال از نویسنده به نسل‌های بعد، از طرق متعدد صورت گرفته یا از طریق واحد؟ پاسخ این پرسش با مسأله «انتساب کتاب به مؤلف» ارتباطی تنگاتنگی دارد. به عبارت دیگر، به سادگی می‌توان تصدیق نمود که میزان اطمینان از صحت انتقال یک کتاب (جزء یا کل آن) از طبقه‌ای به طبقات بعد، با تعداد نفراتی که آن کتاب را از رویان طبقه پیشین دریافت (تحمل) کرده و به طبقه بعد از خود اجازه داده‌اند، ارتباط مستقیمی دارد؛ مثلاً اگر در زمان نویسنده کتاب الف، تنها یک راوی کتاب الف را از او اجازه بگیرد و روایت کند، در فرضی که محتمل باشد او کتاب را تغییر دهد یا کتاب ب را به جای کتاب الف برای دیگران روایت کند، همواره جای شک در اصالت کتاب ادعایی الف وجود خواهد داشت؛ چرا که محتویات آن به خودی خود از سنخ خبر واحد است. اما اگر در همان شرایط، سه راوی کتاب الف را از نویسنده آن اجازه بگیرند، در نسل بعد، سه نسخه از این کتاب موجود خواهد بود: (الف-۱، الف-۲ و الف-۳). حال، در فرضی که این سه نسخه با یک دیگر قابل مقایسه باشند، میزان اطمینانی که می‌توان به اصالت محتویات و صحت انتساب هر یک از این سه کتاب داشت، به مراتب بیشتر خواهد بود.

لازم به ذکر است که در این مقاله، منظور از تعدد طرق کتب، تعدد نقل و روایت کتاب، دقیقاً در طبقه پس از مؤلف است، نه در طبقات بعدی؛ چرا که تعدد نقل پس از مؤلف، در صحت انتساب کتاب به مؤلف و شهرت تألیف نقش بسزایی دارد. لذا اگر کتابی را یک نفر از مؤلف آن نقل کند، ولی آن یک نفر، اجازه نقل کتاب را به سه نفر پس از خود بدهد و آن سه نفر هم به چند نفر و... در این صورت، چون فقط یک نفر در طبقه بعد از مؤلف، از وی نقل کرده است، مشمول تعدد طرق (در این تحقیق) نخواهد شد.<sup>۱۶</sup>

۱۴. «مشيخه» در لغت، اسم مکان از «شیخ» به معنای محل ذکر مشایخ است و در اصطلاح، آن را چنین تعریف کرده‌اند: «مشيخه» فهرستی از سند‌هایی است که برای اتصال سند به مشایخ (کسانی که فرد از آنها روایت نقل می‌کند) یا کتبی که روایت از آنها نقل شده است، به کار می‌رود.

۱۵. درایة الحدیث، ص ۴۱.

۱۶. البته اگر چند طرق موازی از مؤلف در طبقات بعدی در یک نفر جمع شود، باز هم غرض از تعدد طرق محقق نخواهد شد؛ اما به طور طبیعی و در اکثر موارد، تعدد طرق در طبقه پس از مؤلف، در تمامی طبقات بعدی نیز ادامه خواهد داشت.

## طرح مسأله

یکی از بحث‌های مهمی که در برخی از پژوهش‌های تاریخ حدیث و کتب رجالی متأخر طرح شده است، مسأله گستره نقل نخستین مکتوبات حدیثی امامیه است. برخی معتقدند به جهت فشارهای حکومتی و تقیه، کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام با طریق واحد به طبقات بعدی و صاحبان کتب اربعه رسیده است.<sup>۱۷</sup> در مقابل، نیز عده‌ای بر این باورند که شهرت و تداول اصول اصحاب در آن عصر، به قدری روشن است که خورشید در وسط روز.<sup>۱۸</sup> به عبارت دیگر، این سؤال مطرح است که آیا عمده کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام با چند طریق به طبقات بعدی انتقال یافته‌اند؟ یا گستردگی در نقل آنها نبوده و اکثرشان فقط یک راوی داشته‌اند؟ همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، پاسخ این پرسش اهمیت شایانی در اعتبار کلی احادیث شیعه ایفا می‌کند.

در جست و جوی به عمل آمده، هیچ پژوهش چاپ شده‌ای، اعم از کتاب، مقاله یا پایان‌نامه، به طور مستقل در زمینه بررسی تعدد طرق اصلی حدیث شیعه، یافت نشد.<sup>۱۹</sup> در نتیجه، لزوم تحقیق در این باب بیش از پیش نمایان شد.

## ۲. نگاهی بر دیدگاه علمای شیعه در باره تعدد طرق کتب اصحاب

منبع اصلی برای تحقیق در باره طرق انتقال کتب اصحاب، فهارس متقدم شیعی است، ولی قبل از ورود به شواهد فهرستی و بررسی تفصیلی طرق انتقال کتب، شایسته است در این باب مروری بر دیدگاه‌های محدثان و رجالیان متقدم امامیه - که به عصر تألیفات اصحاب نزدیک‌تر بوده‌اند - نیز داشت.

با توجه به این که در اثر حوادث، گذشت زمان و... بسیاری از کتب فهرست و در نتیجه، بسیاری از طرق موجود به کتب حدیثی اولیه از دست رفته است، دیدگاه عالمان متقدم شیعه کمک زیادی به کشف گستره نقل این کتب می‌کند. در این قسمت،

۱۷. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ص ۲۲-۲۴.

۱۸. مشرق الشمسین، ص ۲۶؛ الوافی، ج ۱، ص ۲۲.

۱۹. لازم به ذکر است که آقای محمد علی موحد ابطحی در شرح خود بر فهرست النجاشی، در شرح جمله آخر مقدمه اشاره کرده که در نوشته دیگری به استقصای کتب با طرق متعدد پرداخته است: «وقد احصیناهم فی محل آخر. بل ربما تكون هذه الكتب والاصول مما صرح الاصحاب بانها معتمدة، ويعول عليها، كما احصیناهم فی محل آخر» (تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ص ۸۱). البته این رساله تا کنون چاپ نشده است و در نتیجه فحوص از برخی شاگردان ایشان، اثری از دست‌نوشته‌هایشان به دست نیامد.

نظریات علمای هم عصر نویسندگان کتب اربعه بررسی می گردد.

شیخ صدوق در مقدمه کتاب *من لایحضره الفقیه*، جمیع روایات کتاب خود را مستخرج از «کُتُبٍ مَشْهُورَةٍ عَلَیْهَا الْمُعْوَلُ وَإِلَيْهَا الْمَرْجِعُ» می داند. توصیف شیخ صدوق از این منابع - که در ادامه نام برخی از آنها را می برد - حکایت گرتداول این کتاب در میان امامیه و رجوع گسترده آنان به این کتب است که این امر ارتباط تنگناگی با تعدد طرق انتقال این کتب دارد. لازم به ذکر است که وی در انتهای مقدمه، برای معرفی طرق خود به این کتب، خواننده را به «فهرست کتاب هایی که از مشایخ و پیشینیانم - رضی الله عنهم - از طریق من روایت شده» ارجاع می دهد.<sup>۲۰</sup>

سید مرتضی در پاسخ به سؤالاتی در باره خبر واحد، هر چند تعداد راویان روایات شیعه را معدود و محدود می داند، اما با این حال، ادعای خبر واحد بودن جملگی روایات را جایز ندانسته و این اخبار را - که در کتب اصحاب امامیه مضبوط است - متواتر می داند.<sup>۲۱</sup> بهترین و شاید تنها راه جمع این نفی و اثبات سید مرتضی بدین گونه باشد که در نظر بگیریم، طرق نقل اکثر کتب اصحاب ائمه علیهم السلام از نگاه علم الهدی واحد نبوده و متعدد است؛ به نحوی که موجب شده اکثریت اخبار شیعه از دایره اخبار آحاد خارج شده و به متواترات پیوندند.<sup>۲۲</sup>

شیخ طوسی نیز در تهذیبین بنا دارد احادیث را با سند نقل کند و لکن به جهت اختصار، به تلخیص اسناد پرداخته، به این صورت که عموم روایات را با سند کامل نقل نکرده است، بلکه اوایل بسیاری از اسانید را حذف کرده و سند را به صورت معلق از صاحبان کتب شروع می کند. برای رفع این تعلیق، طریق خود را به صاحبان اصول و کتبی که از آنها نقل کرده است، در «المشیخه» آورده است. این مجموعه، در واقع، بیان گر طرق شیخ به منابع مورد استفاده او است و به بیان وی، روایات را از ارسال خارج کرده و به احادیث مسند ملحق می گرداند. شیخ در مشیخه هر دو کتابش تصریح می کند که فقط

۲۰. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳ و ۴.

۲۱. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۶.

۲۲. صاحب منتقى الجمال، همین سخن سید مرتضی را در کتاب خود، با عباراتی دیگر نقل به مضمون کرده که با برداشت ما کاملاً سازگار است: «إن أكثر أحاديثنا المروية في كتبنا معلومة مقطوع على صحتها، إما بالتواتر من طريق الإشاعة والإذاعة وإما بعلامة وأمانة دلت على صحتها وصدق روايتها، فهي موجبة للعلم مقتضية للقطع وإن وجدناها مودعة في الكتب بسند معين مخصوص من طريق الآحاد» (منتقى الجمال، ج ۱، ص ۲-۳؛ معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ص ۱۹۷).

بخشی از طرق را به منابعش آورده است و تفصیل آنها را به کتب فهرست ارجاع می‌دهد. این مطلب حاکی از آن است که کتب مرجع تهذیبین یا همان اصول اصحاب، به طور کلی طرق متعدد و شهرت داشته‌اند. هم‌چنین، شیخ طوسی در موضعی به صورت خاص، به شهرت برخی از کتب اصحاب تصریح می‌کند.<sup>۲۳</sup>

معروف‌ترین رجالِ شیعه، احمد بن علی نجاشی، اساس تألیف مشهور خود را تدوین فهرست مؤلفان شیعه و ذکر آثار آنان قرار داده و نه تنها به شناساندن شخصیت افراد و نام بردن مؤلفات آنها می‌پردازد، بلکه سلسلهٔ اسنادی خود یا طرق مشهور به این کتاب‌ها را نیز ذکر می‌کند؛ اما او در مقدمه فهرستش تصریح می‌کند که برای جلوگیری از طولانی شدن کتاب، همه طرق را ذکر نمی‌کند:

ذکرت لرجل طریقا واحدا حتی لا یكثر (تکثر) الطرق فیخرج عن الغرض.<sup>۲۴</sup>

این مطلب نشان می‌دهد که آثار یاد شده تا زمان وی تداول نسبی داشته و به طور کلی بیش از یک طریق شناخته شده داشته‌اند که نجاشی به یکی از آنها اشاره کرده و لزومی برای ذکر طرق متعدد نمی‌بیند. وی هم‌چنین، در جای جای فهرستش، به ویژه آن‌جا که طرق کتابی بسیار زیاد باشد، متذکر کثرت طرق آن کتب می‌گردد.<sup>۲۵</sup> تصریحات ذکر شده، نشان دهنده اعتقاد نجاشی به اشتهاار اصول حدیثی شیعه در عصر صاحبان کتب اربعه است.

پس از تدوین کتب اربعه و استقبال شایان از آنها، به تدریج، منابع اصلی کتب محمدون ثلاث از بین رفتند و به تبع، طرق انتقال آنها نیز به دست فراموشی سپرده شد. لذا مسأله گستره طرق انتقال نخستین مکتوبات حدیثی به مسأله‌ای اجتهادی تبدیل شد که باید با دقت در شواهد و قراین فهارس باقی مانده از آن عصر، دربارهٔ آن حکم کرد. هر چند در کتب رجال یا حدیثی به طور مستقل به این بحث پرداخته نشده است، اما بسیاری از متاخرین نیز شهرت یا تواتر نقل کتب و اصول اصحاب را متذکر شده‌اند.<sup>۲۶</sup> بدین ترتیب، می‌توان گفت که تعدد طرق و شهرت منابع اولیه حدیث شیعه، از موضوعات مورد اتفاق اکثر علمای شیعه در طول تاریخ است.

۲۳. به عنوان نمونه، رک: تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۶۹.

۲۴. فهرست النجاشی، ص ۳.

۲۵. رک: بخش بعدی همین مقاله.

۲۶. رک: «بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام با تأکید بر تألیفات مربوط به امامت»، بخش ۱-۲.

### ۳. بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام در آینه کتب فهرست

در این قسمت، به مسأله تعداد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام در مهم‌ترین کتب فهرست شیعه، یعنی *فهرست النجاشی* و *فهرست الطوسی* پرداخته و سعی شده تمامی قراینی را که دال بر تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام هستند، بررسی گردد.

#### بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام، در *فهرست نجاشی*

نجاشی به کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام طرق متعددی داشته است، ولی همان‌طور که پیش‌تر آمد، او در *سراسر الفهرست* سعی کرده، به جهت اختصار، حجم کمی از کتابش را به بیان طرق اختصاص دهد؛ چرا که بیان طرق متعدد را محلّ غرض تألیف فهرستش می‌دانسته است.<sup>۲۷</sup> لازم به ذکر است که بیان طرق متعدد، تنها زمانی او را از غرض اصلی تألیفش خارج می‌کند که حجم طرق غیر مذکور قابل توجه باشد. به دیگر بیان، وی باید در فهرستش تعداد بسیار زیادی از طرق را حذف کرده باشد؛ چرا که مثلاً عدم ذکر طریق برای صد اثر، حدود پنج صفحه از کتاب او را اشغال می‌کند و طبیعی است که این پنج صفحه، باعث خروج از غرض تألیف نخواهد بود. از این رو، به یقین، دامنه و گستره طرق او به کتب مذکور در فهرستش بسیار وسیع بوده که حذف آنها اثر مهمی در خلاصه‌سازی داشته است.

علاوه بر تصریح روشن در مقدمه *الفهرست*،<sup>۲۸</sup> نجاشی در مواضع دیگری از فهرستش نیز بر شیوه خود مبنی بر عدم بیان طرق متکثر تأکید کرده و آن را عادت و رویه جاری خود در نگارش این کتاب معرفی می‌کند. او در ضمن معرفی کتاب عیب‌الله بن علی حلبی می‌گوید:

قد روی هذا الكتاب خلق من أصحابنا عن عبيد الله، والطرق إليه كثيرة، ونحن جارون على عادتنا في هذا الكتاب وذاكرون إليه طريقاً واحداً.<sup>۲۹</sup>

هم‌چنین، به هنگام ذکر کتاب جمیل بن دراج - که اشخاص زیادی آن را از او روایت کرده‌اند و طرق زیادی هم دارد رویه مذکور در مقدمه فهرستش را یادآور می‌شود و بیان

۲۷. هدف و غرض نجاشی از این تألیف، هدفی کلامی در پاسخ به مخالفین شیعه برای نشان دادن سابقه و اصالت میراث علمی تشیع بوده است (ر.ک: *فهرست النجاشی*، ص ۳).

۲۸. *فهرست النجاشی*، ص ۳.

۲۹. همان، ش ۶۱۲.



می‌کند که به همان روش، ناگزیر است برای کتاب جمیل نیز یک یا دو طریق بیشتر ذکر نکند تا حجم کتاب زیاد نشود.<sup>۳۰</sup> مشابه این کلام را درباره کتاب‌های ثابت بن شریح نیز می‌بینیم:

إنما اختصرنا الطرق إلى الرواة حتى لا تكثر فليس أذكر إلا طريقاً واحداً.<sup>۳۱</sup>

او به گاه سخن از کتاب الحج معاویة بن عمار دهنی نیز اشاره می‌کند که ما بعضی از طرق آن را ذکر کرده و از بیان بقیه طرق آن صرف نظر می‌نماییم.<sup>۳۲</sup>

بدین ترتیب، نجاشی سعی دارد این قاعده را در سراسر فهرستش رعایت نماید و معمولاً اگر مؤلفی چندین کتاب داشته باشد و این آثار دارای طریق مشترک باشند. او فقط یک طریق به کل آنها ذکر می‌کند تا به غرض خود پایبند بماند.<sup>۳۳</sup>

البته نجاشی برای برخی آثار چند طریق ذکر می‌کند که بیشتر، کتب معروف هستند؛ به عنوان مثال، نجاشی به کتب سی گانه حسین و حسن فرزندان سعید اهوازی پنج طریق<sup>۳۴</sup> و به کتاب القضاایء محمد بن قیس - که با وصف «معروف» قرین شده - دو طریق ذکر نموده است.<sup>۳۵</sup> هم چنین، گاهی، برخی از طرق کتاب یک مؤلف را در ترجمه دیگران نقل می‌کند؛ به عنوان نمونه، نجاشی برای کتاب عبد الله بن بکیر بن أعین، علاوه بر طریقی که در ترجمه خود او آورده،<sup>۳۶</sup> طریق دیگری را نیز در شرح حال جعفر بن هذیل برای همین کتاب ذکر می‌کند.<sup>۳۷</sup> یا برای کتاب «الراهب والراهبه» نوشته حسن بن راشد،<sup>۳۸</sup> در ترجمه ربیع بن عبد الله بن الجارود طریقی دیگر نقل کرده است.<sup>۳۹</sup>

لازم به ذکر است که بیان چند طریق در الفهرست نجاشی لزوماً به معنای اختلاف

۳۰. همان، ش ۳۲۸.

۳۱. همان، ش ۲۹۷.

۳۲. همان، ش ۱۰۹۶.

۳۳. به عنوان نمونه، رک: همان، ش ۱۵۴ و ۲۱۵ و ۴۲۸ و...

۳۴. همان، ش ۱۳۶، ۱۳۷.

۳۵. همان، ش ۸۸، ص ۴۴. از این جمله است: شماره‌های ۸۵۸، ۱۸۳ و...

۳۶. همان، ش ۵۸۱.

۳۷. همان، ش ۳۲۲.

۳۸. فهرست الطوسی، ش ۲۰۰.

۳۹. فهرست النجاشی، ش ۴۴۱. هم چنین، به نظر می‌رسد که به جهت خاص بودن عنوان «الراهب والراهبه»، طریق ذکر شده در ترجمه حمید بن مسعود نیز مربوط به کتاب نوشته حسن بن راشد باشد (همان، ش ۳۴۳). متن این کتاب در روایتی از کتاب الکافی باقی مانده است (الکافی، ج ۱، ص ۴۸۱).

نسخه نیست؛ چون با تتبع در الفهرست، معلوم می‌گردد که نجاشی مقید است اختلاف نسخ یک کتاب را در صورتی که شدید و مُخَلَّل باشد، متذکر گردد؛<sup>۴۰</sup> مثلاً در مورد کتاب ثعلبة بن میمون<sup>۴۱</sup> یا بکر بن صالح رازی،<sup>۴۲</sup> در ضمن بیان کثرت طرق، به اختلاف روایات آن تذکر می‌دهد. لذا در صورت عدم تصریح وی، به اختلاف در نسخه‌های یک کتاب، کثرت طرق آن کتاب، ناشی از اختلاف نسخ نبوده است. بنا بر این، با توجه به عدم تصریح به اختلاف نسخ در این موارد، تأکید وی به تعدد طرق، علی القاعده بدون اختلاف نسخه جدی است.

از دیگر قراین تعدد طرق کتب، این است که نجاشی در موارد محدودی، به واحد بودن طریق کتاب تصریح می‌کند؛ مثلاً به هنگام یادکرد از کتاب مشمعل بن سعد أسدی، به راوی واحد کتاب تصریح می‌کند:

لم یرو عنه إلا عیسی بن هشام ...<sup>۴۳</sup>

در نمونه‌ای دیگر، نجاشی طریق نقل کتاب ابان بن عمر را نیز در عبیس بن هشام محصور می‌کند.<sup>۴۴</sup> هم چنین، در بیان ویژگی‌های معاویة بن حکیم، به منفرد بودن او در نقل برخی از اصول اشاره می‌کند.<sup>۴۵</sup> این نوع تذکرات، حکایت‌گر عمومیت داشتن ویژگی تعدد طرق کتب شیعه در آن دوران است؛ به گونه‌ای که نجاشی بر خود لازم دیده موارد خلاف آن متذکر شود. به عبارت دیگر، اصل بر کثرت طرق نقل کتب اصحاب بوده و نیازی به تصریح نداشته است و بیشتر در موارد شاذی که خلاف آن بوده، تصریحی صورت می‌گرفته است.

ظاهراً تصریح به طریق واحد، در فهرست النجاشی در همین سه مورد خلاصه می‌شود.

۴۰. محدث نوری در ضمن بحث از رساله حقوق امام سجاد (ع) به این عادت نجاشی اشاره کرده است (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۴). هم چنین، وی در جای دیگر، در هنگام بحث از کتب حسین بن سعید اهوازی، پس از ذکر کلام ابن نوح در باب اختلاف نسخ، متذکر می‌شود که در هنگام وجود اختلاف بین نسخ، تعدد طرق ما را بی‌نیاز از بررسی وثاقت شیخ اجازه نمی‌کند (همان، الخاتمة ج ۴، ص ۳۹۱).

۴۱. فهرست النجاشی، ش ۳۰۲.

۴۲. همان، ش ۲۷۶.

۴۳. همان، ش ۱۱۲۵.

۴۴. همان، ش ۱۰.

۴۵. همان، ش ۱۰۹۸.

جالب آن که در یکی از موارد مذکور، شیخ طوسی طریق دیگری نیز به آن کتاب دارد<sup>۴۶</sup> و بدین ترتیب، آن کتاب نیز از دایره کتب دارای طریق واحد خارج می‌شود. در نتیجه، تعداد مواردی که بتوان ادعا کرد طریق واحد داشته‌اند، بسیار اندک است. بنا براین، تعدد طرق و شهرت کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام در عصر نجاشی و صاحبان کتب اربعه، امری مسلم بوده است و واحد بودن طریق انتقال یک کتاب، مورد نادری بوده که در دیگر کتب رجالی و فهرستی شیعه نیز به ندرت یافت می‌شود.<sup>۴۷</sup>

البته از طرف دیگر، مشاهده می‌شود که نجاشی در موارد بسیاری با عبارات خاصی، بر کثرت طرق کتاب خاص یا کتب برخی نویسندگان اشاره می‌کند. در مورد علت این تصریحات می‌توان گفت که تعداد طرق نقل آنها بیش از حد معمول و شهرت آنها فراتر از دیگر کتب بوده است. از این رو است که در باره آنها تصریح خاصی به کثرت طرق شده است؛<sup>۴۸</sup> نه این که بقیه کتب فقط طریق واحد داشته و فقط کتب مذکور دارای طرق متعدّد و متکثرند. نجاشی حتی به گاه سخن از کتاب داود بن فرقد، به علت وجود طرق فراوان و شهرت بسیار زیاد آن تألیف، یک بار تصریح به تعدد طرق را کافی نمی‌داند و پس از عبارت «له کتاب رواه عدة من أصحابنا» - که خود نشان‌دهنده کثرت طرق است - در چند جمله بعد، دوباره می‌نویسد:

قد روی عنه هذا الكتاب جماعات من أصحابنا - رحمه الله - كثيرة، منهم أيضاً إبراهيم بن أبي بكر...<sup>۴۹</sup>

تکرار این تصریحات، نشان‌دهنده تأکید بر تعدد فراوان طرق نقل و نشان‌دهنده شهرت بسزای این کتب در آن عصر است. هم چنین، از دیگر قراین شهرت و گستردگی نقل کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام آن است که

۴۶. فهرست الطوسی، ش ۷۷۱. البته می‌توان در متفاوت بودن این طریق خدشه کرد؛ چون محتمل است که طریق شیخ (... عن حمید، عن أحمد بن میثم عنه) تصحیف همان طریق نجاشی (... احمد بن الحسن المیثمی قال: حدثنا عبیس، عن الحكم و مشمعل) باشد.

۴۷. از نمونه‌های نادر: رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۴۶.

۴۸. مانند کتب سی‌گانه حسین بن سعید اهوازی که از معروفیت به‌سزایی برخوردار بوده‌اند. جالب، این که، شهرت این کتب به قدری زیاد بوده است که نجاشی و به ویژه طوسی از آن به عنوان ضرب‌المثلی برای بیان شهرت آثار دیگران استفاده می‌کردند (ر.ک: فهرست النجاشی، ش ۶۶۴؛ فهرست الطوسی، ش ۸۱۳، ۳۵۶، ۶۲۰ و...).

۴۹. فهرست النجاشی، ش ۴۱۸.

نجاشی در بین حدود چهار هزار کتابی که در فهرستش ذکر کرده،<sup>۵۰</sup> فقط در یک مورد تصریح می‌کند که کتاب حسن بن محمد صفار بصری، مشهور نیست.<sup>۵۱</sup> از این قرینه به روشنی برداشت می‌شود که بقیه کتب مذکور در *الفهرست* وی از اشتهار نسبی برخوردار بوده و عدم شهرت کتب، امری بسیار غریب و نادر بوده است که او فقط به گاه سخن از یک کتاب خاص، متذکر این مطلب شده و آن تألیف را از دایره عمومی شهرت و تداول خارج می‌سازد.

### بررسی آماری تصریحات به تعدد طرق در *فهرست النجاشی*

یکی از بهترین راه‌ها برای یافتن میزان رواج طرق متعدد در کتب پیشینیان، بررسی آماری تصریحات به تعدد طرق در *فهرست النجاشی* است. نجاشی در *الفهرست* خود، تعبیرات متعددی را برای حکایت از کثرت طرق کتب به کار گرفته است که برخی از آنها پرتکرار و برخی به صورت خاص تر استعمال شده‌اند. در این بین، عبارت «یرویه جماعة»، سپس «یرویه عنہ جماعة» و پس از آن، «یرویه عدّه من اصحابنا» بیشترین کاربرد را دارند. در نخستین مرتبه، شاید به نظر برسد که عباراتی مانند: «یرویه جماعة» یا «یرویه عدّه»، به جهت عدم وجود لفظ «عنہ» - که اشاره به نقل مستقیم از مؤلف دارد - صراحتی در تعدد طرق، در طبقه پس از مؤلف ندارد، ولی با توجه به شواهد فراوان در *فهرست النجاشی* روشن می‌شود که بود یا نبود «عنہ» تأثیری در طبقه نقل کتاب ندارد و در هر دو صورت، منظور نجاشی نقل مستقیم از مؤلف اثر بوده است؛ به عنوان نمونه، نجاشی به گاه سخن از خلد السدی البزاز، اشاره می‌کند: «له کتاب یرویه عدّه، منهم ابن اُبی عمیر». سپس به بیان طریق کتاب می‌پردازد که در طریق مذکور، ابن اُبی عمیر راوی مستقیم از مؤلف است. لذا عدّه مورد نظر - که ابن اُبی عمیر هم جزئی از آنها است - نیز همگی در نقل مستقیم از مؤلف با او مشترک‌اند که نجاشی به جهت رویه اختصار طرق، از بیان طریق آنها خودداری کرده است.<sup>۵۲</sup> نجاشی در موارد بسیار دیگری نیز، همین گونه عمل کرده است.<sup>۵۳</sup>

۵۰. این شمارش برگرفته از «مزایای *فهرست النجاشی برالفهرست والرجال* شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آنها با یکدیگر»، ص ۱۰۳ است.

۵۱. همان، ش ۱۰۱.

۵۲. همان، ش ۴۰۵.

۵۳. برای تفصیل بیشتر، ر ک: «بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه با تأکید بر تألیفات مربوط به امامت»، ص ۷۳-۷۷.

سید محمد علی موحد ابطیحی در شرح خود بر فهرست النجاشی، تلاشی در استقصای تصریحات نجاشی به کثرت طرق کتاب‌ها داشته و موارد آن را بیش از ۱۶۰ مورد برشمرده است.<sup>۵۴</sup> اما با جست و جوی بیشتر مشخص گردید که نجاشی در مجموع، در حدود دویست موضع الفهرست خود، از عباراتی دال بر تعدد طرق استفاده کرده است. مجموعه‌ای از الفاظ به کار گرفته شده توسط نجاشی برای کثرت طرق کتب و تعداد کاربرد آنها در جدول ذیل ارائه شده است.

ردیف	عبارت کثرت طرق	فراوانی
۱	یرویه جماعة <sup>۵۵</sup>	۷۶
۲	یرویه عنه جماعة <sup>۵۶</sup>	۳۸
۳	یرویه عدّة من اصحابنا <sup>۵۷</sup>	۲۶
۴	رواه عنه جماعة <sup>۵۸</sup>	۸
۵	یرویه عدّة <sup>۵۹</sup>	۷
۶	یرویه عنه عدّة من اصحابنا <sup>۶۰</sup>	۴
۷	یرویه عنه... و غیره <sup>۶۱ ۶۲</sup>	۳
۸	روی عنه هذا الكتاب جماعات من اصحابنا <sup>۶۳</sup>	۲
۹	رواه جماعة <sup>۶۴</sup>	۲
۱۰	رواه عدّة من اصحابنا <sup>۶۵</sup>	۲

۵۴. وی سپس با ذکر برخی از تصریحات نجاشی و عبارات صدوق در مقدمه الفقیه این طور نتیجه می‌گیرد که غرض از ذکر طرق در فهرس، اثبات (صحت انتساب) کتب نبوده است؛ چراکه اکثر این کتاب‌ها مانند کتب اربعه در عصر ما مشهور بودند (تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال للشیخ أبی العباس احمد النجاشی، ج ۱، ص ۷۹).

۵۵. مانند: فهرست النجاشی، ش ۱۷۶.

۵۶. مانند: ش ۲۴.

۵۷. مانند: ش ۱۷۳.

۵۸. مانند: ش ۳۱.

۵۹. مانند: ش ۳۷.

۶۰. مانند: ش ۱۶۹.

۶۱. اسم راویان مختلف.

۶۲. مانند: ش ۷۱۱.

۶۳. مانند: ش ۴۱۸.

۶۴. مانند: ش ۸۷۱.

۶۵. مانند: ش ۵۵۳.

۲	أكثر ما يُرى... <sup>۶۶</sup>	۱۱
۲	المعروفة <sup>۶۷</sup>	۱۲

عبارات بیان شده در جدول، بیش از یک مورد کاربرد در فهرست النجاشی داشته اند، ولی تعابیر ذیل تنها یک بار به در این منظور به کار رفته اند:

«رواه عنه عدّة»،<sup>۶۸</sup> «رواه عنه عدّة من اصحابنا»،<sup>۶۹</sup> «رواه هذا الكتاب كثيرون»،<sup>۷۰</sup> «الرواية كثيرة عنه في هذه الكتب»،<sup>۷۱</sup> «له كتاب بروايات كثيرة»،<sup>۷۲</sup> «روى هذا الكتاب خلقاً من اصحابنا»،<sup>۷۳</sup> «أخبرنا عنه عدّة من اصحابنا كثيرة بكتبه»،<sup>۷۴</sup> «رواه جماعات من الناس»،<sup>۷۵</sup> «روى عنه جماعة»،<sup>۷۶</sup> «رواه عنه جماعات من الناس وطرقه كثيرة»،<sup>۷۷</sup> «أخبرنا بهذه الكتب غير واحد من اصحابنا من طرق مختلفة كثيرة»،<sup>۷۸</sup> «غير خاص في اصحابنا روي عنه»،<sup>۷۹</sup> «يرويه عنه جماعات من الناس»،<sup>۸۰</sup> «له كتاب رواه غير واحد»،<sup>۸۱</sup> «كثير الرواية عنه»،<sup>۸۲</sup> «الرواية عنه كثيرون»،<sup>۸۳</sup> «أخبرنا جماعة عنه»<sup>۸۴</sup> و «رواه غير واحد».<sup>۸۵</sup>

۶۶. «أكثر ما يُرى» قدر مشترک دو عبارت است، ولی تعبير کامل تر که بیان گرتعدد طرق است: «أكثر ما يري منه نسخة رواية الحسن بن محبوب أو محمد بن أبي عمير...» (ش ۳۲۹) و «أكثر ما يري رواية أبو عبد الله بن جبلة...» (ش ۳۴۱) است. و هر دو فرد راوی مستقیم پس از مؤلف هستند. لذا بقیه نسخی که نجاشی در کنار نسخه متداول تر از آن یاد می کند، مربوط به راویان مستقیم پس از مؤلف است.

۶۷. مانند: ش ۲۵۳.

۶۸. ش ۳۴۱.

۶۹. ش ۴۴۱.

۷۰. ش ۱۰۵.

۷۱. ش ۷۴۱.

۷۲. ش ۱۲۰.

۷۳. ش ۶۱۲.

۷۴. ش ۱۴۹.

۷۵. ش ۳۰۲.

۷۶. ش ۳۷۱.

۷۷. ش ۳۲۸.

۷۸. ش ۱۳۷.

۷۹. ش ۸۹.

۸۰. ش ۲۹۷.

۸۱. ش ۴۳۲.

۸۲. ش ۲۵.

۸۳. ش ۱۴۰.

۸۴. ش ۳۰۶.

۸۵. ش ۴۳۲.

لازم به ذکر است که این دویست موضع، تصریح بر تعدد طرق به معنای انحصار تعدد طرق در تنها دویست کتاب از فهرست النجاشی نیست، بلکه برخی از تعابیر برای مجموعه‌ای از کتب به کار رفته است؛ مثلاً عبارت «أخبرنا بهذه الكتب غير واحد من أصحابنا من طرق مختلفة كثيرة» در باره مجموعه کتب سی گانه حسین بن سعید و برادرش به کار رفته است. در نتیجه، حدود ۲۵۰ کتاب متعلق عبارات کثرت طرق در فهرست النجاشی هستند.

### بررسی آماری تصریحات به تعدد طرق در فهرست الطوسی

شیخ طوسی در الفهرست خود، به مانند نجاشی، از تعابیر صریحی برای بیان تعدد طرق استفاده نکرده است، مگر در مواضع بسیار اندک؛ مانند ترجمه جمیل بن صالح که در آخر طریق به نقل بیش از یک نفر از جمیل اشاره می‌کند:

عن غیر واحد ظاهراً شیخ طوسی به غیر از مورد فوق، عبارت مشخصی برای تصریح به تعدد طرق، به کار نبرده است، بلکه در موارد کثرت طریق، طرق مختلف را ذکر کرده است. نمود تعدد طرق در فهرست الطوسی، فقط با اسناد و طرق موازی و متعددی است که او برای کتب مؤلفان ذکر کرده است. فایده مهم این طرق و اسناد، اثبات محکم تر انتساب کتب به مؤلفانشان و نیز امکان «تعویض اسناد» شیخ طوسی در مواردی با شیوه خاص است.<sup>۸۶</sup>

### بررسی برخی عبارات موهم انحصار طریق

شیخ طوسی و نجاشی در بیان طریق برخی از کتب، عباراتی از قبیل «رواه فلان عنه»، «یرویه فلان عنه» یا «یرویه فلان» را به کار می‌برند؛ شاید تصور شود در این مواقع، به نقل کتاب از طریق یک نفر تأکید ورزیده و قصد انحصار طریق در طبقه پس از مؤلف را دارند؛ در صورتی که با مراجعه به کتب فهرست مشاهده می‌شود که حتی در این موارد نیز، راویان پس از مؤلف در فهرست الطوسی و فهرست النجاشی متفاوت و متعدّدند.

شیخ طوسی در ترجمه «حسان بن مهران الجمال» می‌نویسد: «له کتاب. رواه علی بن النعمان عنه»؛<sup>۸۷</sup> در حالی که کتاب این فرد آن قدر مشهور بوده است که نجاشی در باره آن تصریح به کثرت طرق می‌کند و فقط یکی از راویان متعدّد آن را علی بن نعمان

۸۶. جهت بحث تفصیلی شیوه استفاده از مبانی «تعویض سند»، رک: بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، ص ۲۳۳.

۸۷. فهرست الطوسی، ش ۲۵۶.

می‌داند.<sup>۸۸</sup> همین شرایط برای اصل «زید نرسی» در *الفهرست طوسی*<sup>۸۹</sup> و نجاشی<sup>۹۰</sup> برقرار است. در برخی مواقع نیز دیده می‌شود که نجاشی لفظی موهم انحصار طریق به کار برده، ولی خود او یا شیخ طوسی برای همان کتاب روایان دیگری را ذکر کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، نجاشی در یادکرد از کتاب «حکم بن حکیم الصیرفی» با این که عبارت «یرویه عنه صفوان بن یحیی» را آورده،<sup>۹۱</sup> در ادامه از ابن ابی عمیر نیز به عنوان راوی دیگر این کتاب نام برده است.<sup>۹۲</sup> بدین ترتیب؛ عبارات مذکور به هیچ عنوان نشان‌گر انحصار در طریق نیست و به احتمال، به منظور تعیین راوی اصلی کتاب به کار رفته است.<sup>۹۳</sup>

### بررسی تطبیقی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام

در این قسمت، با تطبیق و تجمیع طرق مذکور در اصلی‌ترین فهراس شیعه یعنی «*فهرست النجاشی*» و «*فهرست الطوسی*»، میزان فراوانی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام را در مجموع این دو کتاب بررسی می‌نماییم؛ به این ترتیب که در باره کتب هر مؤلف، طریق دست‌یابی شیخ طوسی و نجاشی به آن را بررسی کرده و در صورت مشاهده تفاوت بین طرق مذکور، طریق نقل آن کتاب از وحدت خارج شده و مشمول تعدد طرق می‌گردد؛ چون در این دو فهرست حدود هفت صد نفر از مؤلفان شیعه به طور مشترک بحث قرار شده است.<sup>۹۴</sup> تجمیع طرق این دو کتاب شناس متبخر، کمک شایانی به فهم جامع‌تر تاریخ میراث مکتوب تشیع می‌کند. از نقطه نظر تحقیق حاضر، مهم‌ترین ثمره این تطبیق طریق، متوجه کتبی است که نجاشی و شیخ طوسی هر کدام یک طریق برای آن ذکر کرده، ولی

۸۸. *فهرست النجاشی*، ش ۳۸۱.

۸۹. ش ۲۹۹.

۹۰. ش ۴۶۰.

۹۱. رک: ش ۳۵۳.

۹۲. هم چنین، پس از تطبیق طریق با *فهرست الطوسی* (ش ۲۴۸)، مشخص می‌شود که حسن بن محمد بن سماعه نیز راوی دیگر این کتاب است.

۹۳. در موردی دیگر، نجاشی به گاه یادکرد از کتاب «*المنتخبات*» سعد بن عبد الله اشعری عبارتی به کار می‌برد که موهم انحصار طریق است: «کتاب *المنتخبات* رواه عنه حمزة بن القاسم خاصة...» (ش ۴۶۷). آیه الله سبحانی از این جمله، انحصار روایت کتاب در حمزة بن القاسم را استنباط کرده‌اند (*موسوعة طبقات الفقهاء*، ج ۴، ص ۱۸۵)؛ اما با رجوع به ادامه نقل نجاشی معلوم می‌شود که پدر و برادر جعفر بن محمد (ابن قولویه) نیز کتاب «*المنتخبات*» را روایت کرده‌اند که نشان دهنده غیرمنحصربودن نقل این کتاب توسط حمزة بن قاسم است. به این ترتیب، جمله «رواه عنه حمزة بن القاسم خاصة» می‌تواند به این معنا باشد که حمزه، فقط این یک کتاب را از سعد روایت کرده است.

۹۴. «مقایسه دیدگاه‌های رجالی نجاشی و شیخ طوسی».



طرق آنها مختلف و متعدد است.

### روش تطبیق طرق

منظور از تطبیق طرق در این پژوهش عبارت است از این که، طریق یک کتاب را در فهرست های نجاشی و طوسی با هم مقایسه و طرق یکسان حذف شود. در آخر، اگر تعداد طرق متفاوتی که برای یک اثر باقی می ماند، بیش از یک مورد بود، آن کتاب ویژگی «تعدد طریق» را دارا خواهد بود. لازم به ذکر است که در این پژوهش، همان گونه که پیش تر هم ذکر گردید، فقط طرقی بررسی شده است که به مؤلف می رسد؛ چرا که در این تحقیق تعدد طرق بلافاصله پس از مؤلف مورد نظر بوده است؛ به عنوان نمونه، درباره کتاب کبیر ابان بن عثمان أحمر بجلی در فهرست النجاشی طرق ذیل بیان شده است:

أخبرنا بها أبو الحسن التميمي، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال، قال: حدثنا محمد بن عبد الله بن زرارة، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبان بها. وأخبرنا أحمد بن عبد الواحد، قال: حدثنا علي بن محمد القرشي، قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال.<sup>۹۵</sup>

در عبارت فوق، به دو طریق اشاره شده است، ولی فقط یکی از آنها (از طریق أحمد بن محمد بن أبي نصر) به مؤلف می رسد و طریق دیگر از طبقات بعد منشعب شده است. در فهرست الطوسی نیز برای کتاب ابان بن عثمان طرق ذیل ذکر شده اند:

أخبرنا بهذه الكتب، وهي كتاب واحد الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبيد الله، جميعاً عن محمد بن عمر بن يحيى العلوي الحسيني، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد قراءة عليه. وأخبرنا أحمد بن محمد بن موسى قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا (علي بن الحسن) بن فضال قال: حدثنا محمد بن عبد الله بن زرارة، قال حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبان، قال: (علي بن الحسن) بن فضال: وحدثنا إسماعيل بن مهران، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر و محمد بن سعيد بن أبي نصر، جميعاً عن أبان.

و أخبرنا أحمد بن عبدون قال: حدثني علي بن محمد بن الزبير قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال. و أخبرنا الحسين بن عبيد الله، قال: قرأته علي أبي غالب أحمد بن محمد بن سليمان الزراري، قال: حدثنا جد أبي وعم أبي: محمد و علي ابنا سليمان، عن علي بن الحسن بن فضال. و أخبرنا أبو الحسن بن أبي جيد القمي و الحسين بن عبيد الله، جميعاً

۹۵. فهرست النجاشی، ش ۸.

عن أحمد بن محمد بن يحيى العطار، قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبان.<sup>۹۶</sup>

در عبارات فوق نیز به طرق متعددی اشاره شده است، ولی همه آنها با دو واسطه مشترک (أحمد بن محمد بن أبي نصر و محمد بن سعيد بن أبي نصر) به مؤلف می‌رسند. در نتیجه، از عبارت فوق فقط دو طریق متفاوت (پس از مؤلف) به دست می‌آید. هم‌چنین، شیخ طوسی در باره این کتاب، به اختلاف نسخه‌ای هم اشاره می‌کند که آن روایت اهالی قم و ناقص‌تر از نسخه قبلی است و اتفاقاً راوی پس از مؤلف، در آن متفاوت از دو راوی پیشین است (جعفر بن بشیر)، ولی به جهت اختلاف نسخه، این طریق به طرق قبلی اضافه نمی‌شود و در آخر، برای کتاب ابان بن عثمان، دو طریق متفاوت در طبقه پس از مؤلف شناسایی می‌گردد و این کتاب واجد تعدد طرق (بیش از یک طریق) تشخیص داده می‌شود.

نکته دیگری که در باره روش کار قابل ذکر است، این است که چون موضوع پژوهش، تعدد طرق کتب اصحاب ائمه عليهم السلام است، ابتدا پانصد مدخل اول فهرست النجاشی بررسی شده و مؤلفین طبقه اصحاب ائمه عليهم السلام از افراد طبقات بعد جدا شده‌اند.<sup>۹۷</sup> سپس ترجمه مؤلفین طبقه اصحاب - که متخذ از فهرست النجاشی بوده، از فهرست الطوسی نیز استخراج شده و طریق کتب آنها بررسی شده است. در پایان، کتبی که پس از تطبیق دو فهرست، واجد تعدد طرق شدند، در جدولی ضبط گردیده‌اند.

با توجه به این که در برخی موارد نام مؤلفان در این دو منبع، متفاوت ضبط شده است و یا در برخی موارد، به ویژه در فهرست الطوسی، یک مؤلف با نامی یک سان یا با اندکی تفاوت، یک یا چند بار مدخل شده است، از آن جا که تطبیق برخی از این اسامی کار آسانی نیست و اختلاف نظر نیز در آن وجود دارد، لذا تطبیق اسامی نرم افزار درایة النور<sup>۹۸</sup> معیار قرار داده شده است. در مواردی نیز نام کتب اصحاب در این دو فهرست متفاوت ذکر شده که

۹۶. فهرست الطوسی، ش ۶۲.

۹۷. منظور از «اصحاب ائمه» در این تحقیق، فقط کسانی هستند که هم عصر با ائمه عليهم السلام می‌زیستند، نه این که لزوماً معصوم عليه السلام را دیده و یا از ایشان حدیث نقل کرده باشد. با این توضیح، کسانی مشمول حکم اصحاب ائمه عليهم السلام می‌شوند که بیشتر زندگی آنها در قرن سوم باشد. به عبارت دیگر، آنان که در عصر امام عسکری عليه السلام و اوایل غیبت صغری می‌زیستند، از اصحاب ائمه عليهم السلام محسوب شده‌اند که تقریباً تا طبقه مشایخ مستقیم جناب کلینی عليه السلام مورد نظر است.

۹۸. درایة النور، نسخه ۲.۱، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

با فرآیندی، تطبیق داده شده است.<sup>۹۹</sup>

### محاسبه درصد کتبی که تعدد طرق دارند

در این قسمت، همه کتب اصحاب - که پس از تطبیق طریق دو الفهرست، بیش از یک طریق برای آنها معرفی گردیده است - شمارش شده و عدد به دست آمده، به کل کتب مذکور برای اصحاب ائمه علیهم السلام در پانصد مدخل اول نجاشی تقسیم شده است. در نتیجه این فرآیند، تعدد طرق بیش از نیمی کتب اصحاب ائمه علیهم السلام در این تحقیق کشف شد که رقم دقیق آن ۵۱.۷۷٪ است. این عدد حاصل روند ذیل است:

کل کتب معرفی شده برای اصحاب ائمه علیهم السلام تا مدخل پانصد نجاشی: ۸۱۷

مجموع کتبی که از تعداد فوق، واجد بیش از یک طریق بوده‌اند: ۴۲۳

درصد کتبی که تعدد طرق دارند، نسبت به کل کتب اصحاب: ۵۱.۷۷٪

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، این نتیجه گویای آن نیست که فقط حدود ۵۲٪ از کتب اصحاب ائمه علیهم السلام تعدد طرق دارند و ۴۸٪ باقی‌مانده با طریق واحد منتقل شده است؛ بلکه به تصریح علمای متقدم شیعه و قراین پیش‌گفته دیگر، شهرت یا تعدد طرق کلی کتب اصحاب ائمه علیهم السلام امری مسلم است. با این وصف، هدف این بخش از مقاله حاضر، فقط نشان دادن میزانی از این تعدد طرق بوده که امروزه به وسیله فهراس برای ما قابل شناسایی است؛ چه بسیار کتب دیگری که تعدد طرق داشته، ولی طرق آنها به دلایل گوناگونی مانند اختصار فهرست *النجاشی* و ... به دست ما نرسیده است.

### جدول تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم السلام

همان‌طور که ذیل عنوان «روش تطبیق طریق» ذکر شد، جدول تعدد طرق (جدول پیوست)، حاوی کتبی از اصحاب ائمه علیهم السلام است که پس از تطبیق طرق دو فهرست، واجد شرط تعدد طرق شده‌اند.<sup>۱۰۰</sup> مبنای این بررسی پانصد مدخل اول فهرست *النجاشی* است که می‌تواند نمونه و معزف بسیار خوبی از جمیع مداخل این فهرست باشد.

۹۹. برای اطلاع از جزئیات این فرآیند، رک: «بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه با تأکید بر تألیفات مربوط به

امامت»، ص ۸۵-۸۸.

۱۰۰. در جدول تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم السلام نام صاحب اثر، آثاری که برای آنها طرق متعددی یافت شده، خود طرق یا الفاظ حاکی از کثرت طرق آورده شده است که حجم آن بیش از چهل صفحه است. از این رو، در پیوست مقاله ارائه گردیده است.

نمونه ای از چند سطر جدول:

مؤلف	منبع	شماره	نام کتاب یا کتب	طریق	عبارت کثرت طرق	طریق مذکور	تطبيق طرق
سليمان بن صالح الجصاص	جش	۴۱۶	کتاب	خبرنا الحسين بن عبيد الله قال: حدثنا احمد بن جعفر قال: حدثنا حميد بن زياد عن الحسن بن محمد بن سماعة قال: حدثنا الحسين بن هانم عن سليمان بن صالح يكتبه.		۱	۳
	ست	۳۳۹					
سندي بن الربيع البغدادي	جش	۴۹۶	کتاب	أخبرنا أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدثنا الحميري قال: حدثنا محمد بن عبد الجبار و علي بن إسماعيل عن صفوان عن السندي يكتبه.	كثرت طرق	۱	
	ست	۳۴۳	رواه بالإسناد الأول عن ابن بطة عن الضار عنه.				
سلمة بن الخطاب أبو الفضل البرلوساني الأزدرقاني	جش	۴۹۸	ثواب الأعمال، نادر، السهو، القبلة، الحيف، ثواب الحج، مولد الحسين بن علي عليهما (عليه السلام) ومقتله، عقاب الأعمال، المواقيت، الحج، تفسير ياسين، افتتاح الصلاة، الجواهر، نادر الصلاة، وفاة النبي صلى الله عليه وآله	خبرنا محمد بن علي بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار قال: حدثنا أبي و أحمد بن إدريس و سعد و الحميري عن سلمة و أخيرا الحسين بن عبيد الله عن أحمد بن جعفر بن سفيان عن أحمد بن إدريس عن سلمة سائر كتبه.	۵	۴	
	ست	۳۳۴	کتاب السهو، کتاب القبلة، کتاب نواب الأعمال، عقاب الأعمال، کتاب نواب الحج، کتاب مقتل الحسين (بن علي صلوات الله عليهما) کتاب الحيف، کتاب النوار (کتاب الصيام) کتاب الحج، أخيرا يجمع رواياته ابن أبي جید عن ابن الوليد عن سعد بن عبد الله و الحميري و أحمد بن إدريس و محمد بن الحسن الضار عن سلمة.				
سالم بن أبي حفصة	جش	۵۰۰	کتاب	أخبرنا عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن يحيى قال: حدثنا عبد الله بن جعفر قال: حدثنا يعقوب بن يزيد عن سالم بن أبي حفصة يكتبه.	كثرت طرق	۱	أخرا عدة من أصحابنا

۴. نتیجه

در این پژوهش، با بررسی قراین فراوان موجود در دو فهرست اصلی شیعه، روشن شد که محدثان متقدم شیعه به اکثریت کتب اصحاب ائمه عليهم السلام طرق متعددی داشته‌اند. به طور خاص نجاشی به این امر تصریحات متعددی کرده است؛ وی دربارهٔ بیش از ۲۵۰ اثر، با عباراتی مانند: «یرویه عنه عدة من اصحابنا/ جماعات من الناس / خَلَقَ من أصحابنا» و... به تعدد و بلکه کثرت طرق آنها اشاره کرده است. به علاوه، نجاشی به رغم رویهٔ اختصار در فهرستش، در بسیاری از موارد چند طریق را برای یک اثر معرفی می‌کند و طرفه آن که در برخی از مواردی که نجاشی برای برخی کتب فقط یک طریق بیان کرده، شیخ طوسی برای همان کتب، طرق دیگری را ذکر کرده است، در نتیجه آن کتب نیز از انفراد طریق خارج می‌گردند. نهایتاً می‌توان گفت بر اساس دلایل مذکور و هم‌چنین، تصریح به طریق واحد در موارد بسیار نادر، اکثر کتب اصحاب در قرون متقدم بیش از یک طریق داشته و پدیده رایجی در آن دوره محسوب می‌شده است؛ چه این که فرد با دغدغه‌ای مانند نجاشی لازم نمی‌دیده که طرق متعدد آثار را احصا کند.

پس از بررسی نمونه آماری از کتب اصحاب، در نتیجه، تعدد طرق برای بیش از نیمی از آنها، مشخص شد. البته این به معنای وجود طریق واحد برای بقیه کتب اصحاب نیست، بلکه باید توجه داشت که طرق متعدد بسیاری از مؤلفات اصحاب، به مرور زمان متروک شده و تنها یک طریق آن رایج گردید و همان طریق امروزه برای ما شناخته شده است. در بسیاری از موارد، به دلایل مختلفی، از قبیل اختصار فهرست النجاشی یا قطعیت انتساب اثر به مؤلف یا ... از بیان طرق چندگانه کتب صرف نظر شده است. هم چنین، محمد کاظم رحمتی در برخی از مقالات اخیر خود، به طرق متروک برخی از اصول حدیثی شیعه اشاره کرده و به چرایی اقبال یا عدم اقبال جامعه شیعه نسبت به برخی طرق پرداخته است.<sup>۱۰۱</sup>

بر این اساس، اگر در باره کتابی، شیخ طوسی و نجاشی طریق یکسانی هم ذکر کرده باشند، باز هم نمی توان به وحدت طریق انتقال آن کتاب حکم قطعی نمود، بلکه فقط می توان ادعا کرد که طریق مذکور در این دو فهرست - که امروزه به دست ما رسیده - یگانه است که خود می تواند برخاسته از مشابهت های فضای جغرافیایی و علمی نجاشی و شیخ طوسی باشد؛ چرا که آنها هم عصر و هم درس بوده و در بسیاری از مشایخ، مشترک اند.<sup>۱۰۲</sup> در نتیجه، طریق واحد و مشترک برای یک اثر می تواند گویای این مطلب باشد که در عصر صاحبان فهارس مذکور و در حوزه بغداد، طریق ذکر شده متداول ترین طریق بوده است. در نهایت، می توان به این نتیجه دست یافت که بر اساس فهارس متقدم شیعی، بیشتر منابع اولیه حدیث شیعه، بالاخص اصول و مکتوبه های حدیثی اصحاب ائمه علیهم السلام، از تعدد نقل برخوردارند. این نتیجه برخی از شبهات<sup>۱۰۳</sup> در باره طریق واحد احادیث شیعه را حل کرده و به برداشتن چند گام دیگر برای اثبات اصالت کلی روایات شیعی کمک خواهد کرد؛ از جمله:

۱. این نتیجه با مسأله «انتساب کتاب به مؤلف» ارتباطی تنگاتنگ دارد. گاهی در تاریخ حدیث، در صحت انتساب یک کتاب متقدم به مؤلفش تردید ایجاد می شود. اگر آن

۱۰۱. ر.ک: «عالمان امامی و میراث واقفه»، ص ۲۸۰-۲۸۳ و هم چنین، «عبید الله بن ابی رافع و کتاب السنن والاحکام و القضايا»، ص ۱۰۷-۱۰۸ و پاورقی شماره ۵.

۱۰۲. از جمله این مشایخ، می توان از: شیخ مفید، حسین بن عبید الله غضائری، احمد ابن عبدون، ابن ابی جید نام برد. (الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۸۶).

۱۰۳. به عنوان نمونه: ر.ک: الحجج الدامغات لنقض کتاب المراجعات، الجزء الأول، ص ۵۲.

کتاب را پس از نگارش، چند نفر از مؤلفش نقل کرده باشند، این تعدّد طریق، عامل مؤثری در صحت انتساب کتاب به مؤلف مذکور خواهد بود.

۲. اگر در سند روایتی، راوی مجهول یا ضعیفی وجود داشته باشد که از مشایخ اجازه باشد، به صحت روایت لطمه‌ای وارد نمی‌شود؛ چرا که آن فرد، می‌تواند فقط طریقی (در کنار دیگر طرق) برای انتقال منبع اصلی حدیث به طبقات بعد باشد؛ نه منشأ نقل روایت.<sup>۱۰۴</sup>

۳. دشمنان شیعه در مواضع محدودی با دست برد در کتب، قصد تحریف و تضعیف حدیث شیعه را داشته‌اند. در این گونه موارد، اگر آن کتاب تعدد طرق داشته باشد، به راحتی با مقابله نسخ، دس در آن هویدا می‌شود.

۴. از آن جا که اصحاب ائمه علیهم‌السلام و محدّثان طبقات بعد، در نقل روایات اهل بیت علیهم‌السلام بسیار حسّاس بوده و هر مطلبی را که به معصوم منتسب شده بود، نقل نمی‌کردند. لذا آنچه از احادیث شیعه به چرخه نقل درآمده، به طور قطع، به لحاظ محتوایی برای راویان آن غیر قابل قبول نبوده است.<sup>۱۰۵</sup> در این میان، اگر کتابی از اصحاب با طرق متعددی نقل شود، نشان از مقبولیت نسبی این اثر در بین راویان طبقات بعدی دارد. لذا اگر اکثریت کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام از تعدد طرق برخوردار باشند، گویای اعتبار کلی آنها خواهد بود. لازم به ذکر است که در این تحقیق، تنها با تطبیق طرق در فهرست‌های نجاشی و طوسی، تعدد طرق اکثریت کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام در نیمی از این دو فهرست احراز شده است؛ ولی شایسته است همین فرآیند تطبیق طریق، در باقی این دو فهرست، مشیخه‌ها، طرق شیخ کلینی و شیخ صدوق به منابعشان و دیگر کتب حاوی طرق گذشتگان (مانند رساله ابو غالب زراری یا آثار ابن طاووس) نیز انجام شود.<sup>۱۰۶</sup> و آمار دقیق تری از تعدد طرق کتب به دست آید که احتمالاً به آمار بالاتری در این زمینه منتج خواهد شد.

۱۰۴. مجلسی اول - که در مواضع متعددی از آثار خود، به بی‌ضرر بودن ضعف مشایخ اجازه اشاره کرده - به همین مبنای تعدد طرق توجه داشته است؛ مثلاً وی در یکی از موارد، در بین کتب قدما، از جهت تعداد طرق، تفکیک کرده و تساهل در طرق ذکر شده را برای کتاب‌هایی مانند کتاب فضیل بن یسار، محمد بن مسلم - که متواتراً مؤلف است - بدون اشکال می‌داند (روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۴۰).

۱۰۵. شواهد این مطلب به وفور در منابع حدیثی شیعه یافت می‌شود. (ر.ک: «ابن ولید و مستثنیات وی»).

۱۰۶. البته در این تحقیق به صورت نمونه‌ای این کار انجام شده و در برخی موارد، منجر به کشف تعدد طرق شده است.

### کتابنامه

- بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، محمد کاظم رحمان ستایش، محمد رضا جدیدی نژاد، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- تاریخ عمومی حدیث، مجید معارف، تهران: کویر، ۱۳۸۸ ش.
- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تحقیق: خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
- تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، محمد علی موحد ابطحی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- الحجج الدامغات لنقض کتاب المراجعات، أبو مریم بن محمد الأعظمی، تونس: دار الضحی، ۱۴۱۷ ق.
- درایة الحدیث، شادی نفیسی، تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
- رجال ابن الغضائری، احمد بن حسین واسطی بغدادی، قم: دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.
- رسائل الشریف المرتضی، سید مرتضی علی بن حسین موسوی، قم: دارالقرآن الکریم، اول، ۱۴۰۵ ق.
- روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، محمدرضا قی مجلسی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
- الفوائد الرجالية، سید مهدی بحر العلوم، تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۰۵ ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- مبانى حجیت آراء رجالی، سیف الله صرامی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳ ش.
- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
- مشرق الشمسین واکسیر السعادتین، محمد بن حسین عاملی (شیخ بهایی)، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۴ ق.
- معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، سید ابوالقاسم خویی، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ق.
- من لایحضره الفقیه، محمد بن علی صدوق، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- موسوعة طبقات الفقهاء، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
- میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه: سید علی قرائی، رسول جعفریان، قم: نشر مورخ، ۱۳۸۶ ش.

- نزهة النظر فی شرح نخبه الفکر، علی القاری، بیروت: شركة دارالارقم بن ابی ارقم.
- الوافی، محمد محسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
- «ابن ولید و مستثنیات وی» محمد تقی شاکر، علیرضا حسینی، دوفصلنامه حدیث پژوهی، شماره ۹، بهار و تابستان ۹۲.
- «اصل های چهارصدگانه»، اتان کلبیگ، مترجم: محمد کاظم رحمتی، فصلنامه علوم حدیث، پاییز ۱۳۷۹، شماره ۱۷.
- «بررسی سیر تاریخی کتابت حدیث در شیعه»، مجید معارف، فصلنامه علوم حدیث، ش ۳۷ و ۳۸.
- «بازشناسی منابع الکافی و تأثیر آن بر اعتبار سندی روایات»، رضا قربانی زرین، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده قرآن و حدیث دانشگاه تهران.
- «بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه علیهم السلام با تأکید بر تألیفات مربوط به امامت»، پایان نامه محمد مهدی کامیابی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث، دفاع شده در سال ۱۳۹۱ ش.
- «تأملاتی بر دیدگاه های آیه الله خویی در باره الکافی»، مجید معارف و رضا قربانی، مندرج در مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت ثقة الاسلام کلینی.
- «عالمان امامی و میراث واقفه»، محمد کاظم رحمتی، مندرج در جشن نامه استاد محمد علی مهدوی راد، قم، نشر مورخ، ۱۳۹۱ ش.
- «عبید الله بن ابی رافع و کتاب السنن والاحکام والقضایا»، دوفصلنامه حدیث پژوهی، شماره ۷، بهار و تابستان ۹۱.
- «عرضه حدیث بر امامان علیهم السلام» (قسمت اول و دوم)، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۶ و ۹.
- «مزایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آنها با یک دیگر»، رحیمه شمشیری، دکتر مهدی جلالی، نشریه مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، شماره ۳/۸۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- «مقایسه دیدگاه های رجالی نجاشی و شیخ طوسی»، مجید معارف، مقالات و بررسی ها، شماره ۶۲.